میکروفیلم تهیه شد
بازبین شد ۱۳۵۳

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب آتشکده آذری — فارسی
مصنف / مؤلف حاج لطفعلی بیک شاملو آذری
خطی / چاپی نستعلیق ۲۵ سطری
سال چاپ یا تحریر — عدد اوراق ۳۳
جزء کتب تاریخ شماره ۹۵
شماره عمومی ۴۴۲۶ شماره قبض
واقف میرزا رضاخان نائینی تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱
طول ۲۰/۹ عرض ۱۸/۱ سانتیمتر کنجه

سال ۱۳۰۸ خورشیدی

صحافی
جو ... گران

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که دوری آگهی از دو چو کاکلش زدوم | جگر غم ز دل یک عقده ها را بست

وله

دست فشان ده ربوت خرم از دو بگرد | بیا بیدرد سرم رو روی که میرم از دوری تو
آن هم ایم از هجر و اسیم بی تو | تا تو را جستم دلی بسته در دوری تو
گور دره باره با روستم بی تو | هر گام می کنی نفس جا تو
گل زنده شمع از پروانه سوزد حسنی | آنچه کنی برازی کار تلا خواستم

وله

با بندی شبی دوزخ رسید ره بری | گرم رها گشته ام تشنه ام
گاهی ای بی سینه ات کیست | آهنی ات از انجمن رهای بر است
فزان به شب سیم آه شبان گنه | از من هنر کاران سخن چه این است
ترا زدوم بسته گر تو بد دوم | این گناه که نیت به کمال کرشته
نگفته بود کمی تو هیچ که | دعا گو مشکره زو بار بهر آن گوی
هزار بار از سم گفی در این حیث گفت | هزار بار است سحر گم از پس کفر ارای

غزل

بدم ز دو دور حراب بی سی با رهایی | دز لب دگرم نه خواب ستم ای آه
در رهی بودم دو لب عرم برگرفت | می خندیدم به هنر روزان روزی
وی شاخ گل شبی عذاری نقاب | وی بسته دله در که رجوی بر
وی مه کبر اب پاک روح | وی چشمه کام آب بغض در است
گفتم که ز ابا بر هیچ کنی | گفتم اوه چو کشته آن گشته که
در جان من این آتش جان سوز مباد | از دو ره من بسر وزان شب تو
گفتم ز طراوت چمن می خندد | کان کان نیست از شاخ گل
از غصه من بی تو می گرید | گردم ز تم فدان ره غم می شدم
اندیده در دوعی عذاری گرفت | این با گرد دستمال کی می بری
هست از چو ره رهی که آن چو ره | گر خشم اگر زود ز عذرم بسته بر
گر هم هرشب که روز از دو قهر زرد | از عمر همی سال کر گشته اب هستی

زضعف وعده اشتر افزهی سرودم
تا از دو چشم از آنم چشم حق آن شاهی
آنچه بکنم من به سنت عذابی فرود
برادر ای هجر چون بر دو جانان رودی
این مزده قدم کوته دلی تو
هر کسی به زلفی سودازنم همی ساخته
تب هجر آن نیند ادم زیبا دارد
ز ذوقی حال من دام و حیثی ز آزاد
سلطانان هنر بسته حالم
ز گلبنی و گلش دیده باری ای حیدر
کا شیر چون دارد سیم نیر ارکی
چه خواجه رو ز تو هر بسته ره دامن

ای شبی وی از من آنچه کردم
ره از تو بی از دو ز دو ره هب
در جان از دو راح عشق برد نیم بکرفت
این باغ سر کرو گلهای بی نقاب است
این بهر ز مهتاب با هیمت
قاصد و خبر از دو دین هیچ کنیت
هجر تو نصیب ای دلبر دور مباد
در هم گل قصیده دمن میخند دو
امشب که ز صبح بطرب سکر زد
ای ماه سرا رای نگاری گرفت
ای عهد تو از آن بر دو ره بنیر
جرم بر دو شب گر گاه ای کن

درد انگر که دوری همه ده پروردن
چه کرده دره بری سر کلبه ر انهدم
میا دو ز نه دو کوم با نفستم چشم تو
با همرا نشنید بیت بنده در دوری تو
کهنه شده گلبه نهادی همی کردم
فکر دیگر کن که هجران کار با را ختم
دگر دو ازاسیم آه سحر دارد واژه بند
زمین باش کشت قصر یکی تنی ودم نم
مرغ که از خته دیوار رها
بمن نگاه تو با به سخن نگه ای
تو بود فاهمه با بالش اشتر که
نکوی چه خبر از نگاری که ادو ملا کوی

تا حرف گرانشنیده با سی
گفت آب در نیاد همه پیدا از
بار آن کرامم بسته دوزم گوش
با دل بیت هر درکی باری بنیصان
آن روز تو گر بیتر که مرا ای کرب
آتش بلب از دو دوری هیچ گشت
امشب که ز دو دیش بی روز مباد
گشاده برکه من بی حبر
در شکره گفتم آه ز آتش گری
اندیشه تو بخی دامن باری بگرفت
هر گرانی که ده من کشت بکو
روز از تاب کردم دوب از نماز

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

شبنم زده‌ام از آن مه مهرفروز — در سینه هم آتش و در لب همه سوز

گفتی که دو درنت ز چه [illegible] برده‌ای — این سوخته [illegible] که دادی [illegible] چو روز

نقشی ز خط نسته کلک تو خط — در دوره [illegible] وجود ذات تو فقط

جان بخشی و جان ستانی‌ات لا فقط — دل [illegible] ستانی که دانم [illegible] سقط

ای رسته در صبح [illegible] دیده از چنگ — از چنگ من و تو کار [illegible] پیچ

[illegible] آری [illegible] جنگ من و تو — تو [illegible] زمانه [illegible] شیشه [illegible] سنگ

دانش [illegible] دیده کلک چه بستم — از دیدن دو دیده [illegible] بستم

هر روز گرفته شیخ [illegible] نشسته — گردم ز بیابان [illegible] دیر نشستم

عیشی [illegible] جام رنگی تو لال — [illegible] پیش [illegible] ستی [illegible]

گفت [illegible] در دیر [illegible] — از آن که خدا [illegible] نشسته [illegible] نوال

والسلام

کتابخانه آستان قدس
[illegible]
۲۸۲۱۶